

چگونه بر جهان حکومت کنیم؟

راهنمای دیکتاتور بلندپرواز

آندره د گیلوم

ترجمه‌ی

حسین یعقوبی



انتشارات فروزیه

سرشناسه:	د گیلوم، آندره
عنوان و نام پدیدآور:	De Guillaumc, André چگونه بر جهان حکومت کنیم؟ راهنمای دیکتاتور بلندپرواز / آندره د گیلوم؛ ترجمه‌ی حسین یعقوبی
مشخصات نشر:	تهران: انتشارات مروارید، ۱۳۹۶
مشخصات ظاهری:	۱۶۱ ص
شابک:	978-964-191-526-3
وضعیت فهرست‌نویسی:	فیب‌ا
یادداشت:	How to rule the world: a handbook for the aspiring dictator
موضوع:	رهبری - دست‌نامه‌ها
موضوع:	Leadership - Handbooks, manuals, etc.
شناسه افزودن:	یعقوبی، حسین، ۱۳۴۹ - مترجم
رده‌بندی کنگره:	HD ۵۷۷/۹ج۸ ۱۳۹۶
رده‌بندی دیوئی:	۶۵۸/۴۰۹۲
شماره کتابشناسی ملی:	۴۷۱۱۵۲۷



انتشارات مروارید

تهران، خیابان انقلاب، روبه‌روی دانشگاه تهران، پلاک ۱۱۸۸، ص. پ. ۱۶۵۴ - ۱۳۱۲۵
 دفتر: ۶۶۴۰۰۸۶۶ - ۶۶۴۱۲۰۴۶ - ۶۶۴۲۸۴۶۲ - فاکس: ۶۶۴۲۸۰۲۷ - فروشگاه: ۶۶۴۶۷۸۸
<https://instagram.com/morvaridpub> - <https://telegram.me/morvaridpub>
www.morvarid-pub.com



چگونه بر جهان حکومت کنیم

(راهنمای دیکتاتور بلندپرواز)

آندره د گیلوم

ترجمه‌ی حسین یعقوبی

تولید فنی: الناز ایلی

صفحه‌آرایی: تینا حساسی

چاپ اول ۱۳۹۶

چاپخانه: کهنمویی‌زاده

تیراژ ۷۷۰

شابک ۹۷۸-۹۶۴-۱۹۱-۵۲۶-۳ ISBN: 978-964-191-526-3

۱۳۰۰۰۰ ریال

فهرست

- پیش‌گفتار: چرا بر جهان حکومت کنیم؟ ۷
- فصل اول: آیا شرایطش را دارید؟ ۱۹
- فصل دوم: کارآموزی، سال‌های سرگردانی ۳۳
- فصل سوم: مسیرهای موفقیت ۴۵
- فصل چهارم: کسب قدرت ۵۷
- فصل پنجم: چگونه یک کشور را اداره کنیم؟ ۷۵
- فصل ششم: ماندن در مسند قدرت ۹۱
- فصل هفتم: مسیرهای موفقیت ۱۰۳
- فصل هشتم: قدرت و ثروت ۱۱۹
- فصل نهم: قدرت و عشق ۱۲۹
- فصل دهم: برای آیندگان: نشانت را به‌جا بگذار ۱۳۹
- فصل یازدهم: بازنگشتگی ۱۴۹

چرا بر جهان حکومت کنیم؟

کسی که آرزو دارد از او اطاعت کنند، ابتدا باید بداند چگونه دستور دهد.
لیکولو ماکیاورلی

قدرت، در جهان امروز در ذهن افراد لیبرال و طرفداران شفافیت سیاسی تصویری منفی دارد. بعضی‌ها می‌گویند قدرت باید تقسیم شود، می‌گویند قدرت زیاد در دست یک نفر چیز بدی است، قدرت شخصیت افراد را به شکل نامطلوبی تغییر می‌دهد، قدرت اخ است و چنین است و چنان و قس علی‌هذا. اما خیلی این حرف‌ها را جدی نگیرید، تنها آدم‌های ناتوان و بی‌جریزه از این حرف‌ها می‌زنند. کسانی که قدرت دارند می‌دانند که زندگی بدون قدرت هیچ است، بی‌معنا است. بدون قدرت هیچ چیز نیستید. در تندباد حوادث مثل بیدی هستید که با هر بادی می‌لرزید و احتمالش هم هست که کلاً ریشه‌کن شوید. اما با قدرت شما چیز می‌شوید، همه چیز آدمی که می‌تواند دنیا را عوض کند.

چرا قدرت برای شما خوب است؟

کسب قدرت، یک دنیا خوبی و خوشی برای شما به ارمغان می‌آورد. از همان لحظه‌ی تولد بزرگ‌ترین لذت ما این است که هر چه اراده کنیم، همان شود. دقت کرده‌اید که وقتی یک بچه‌ی کوچک برای غذا، اسباب‌بازی یا عوض کردن پوشک کثیفش جیغ و داد راه می‌اندازد، پدر و مادرش چطور سراسیمه برای تأمین خواسته‌اش به این سو و آن سو می‌دوند؟ کودکان بزرگ‌ترین دیکتاتورها هستند. آن‌ها همیشه چیزی را که می‌خواهند به دست می‌آورند و تنها در ازای یک خنده یا یک صدای نامفهوم، پدر و مادر تمام ادبیت و آزارشان را فراموش می‌کنند. حالا تصور کنید اگر تمام طول عمرتان بتوانید این‌گونه فرمانروایی کنید، چه سودا تمام دنیا یا دست‌کم تمام دنیایی که می‌شناسید برای خشنودی شما و ارضای امیال کودک درون‌تان سراسیمه به این سو و آن سو می‌دوند. زندگی می‌شود عین بهشت. شما آدمی هستید که از سایر جماعت دوروبرتان سرترید، یک ابرسانید. یک پیشوای فرزانه... دیگر منافع جانی چنین وضعیتی عبارتند از:

- ثروت
- وضعیت سلامتی ایده‌آل
- زنان زیبا و باکلاس
- زندگی پرزرق و برق
- سفرهای بین‌المللی فراوان

آیا حکومت بر جهان ممکن است؟

اعطای قدرت و ثروت به دولت در حکم دادن آبکی جات و سونچ
ماشین به نوجوانان است.

بها محمد نوروزی

این کتاب بیشتر درباره‌ی حکومت بر دنیایمان است - گستره‌ی این دنیا می‌تواند از شرکتی که در آن کار می‌کنید باشد تا کشوری که در آن سکونت دارید - تا حکومت بر کل جهان. البته هر چیز ممکن است. مثلاً ممکن است شما بنیانگذار بزرگ‌ترین امپراتوری شوید که جهان تاکنون شناخته، امپراتوری که تمام ملت‌ها را زیر پرچم خودش مفهور و مطیع کند و روند تاریخ را تغییر دهد. این امر ممکن است. اما اگر دقیقاً این‌طور نشد، خودتان را سرزنش نکنید و به چشم یک بازنده به خودتان نگاه نکنید. راه‌های دیگری برای سروری و رهبری بر سایرین نیز هست. مثلاً هیو هنر کبیر، بنیانگذار یکی از قدیمی‌ترین و محبوب‌ترین مجلات خرگوش‌نشان دنیا را در نظر بگیرید شاید حاکم بر قلب و روح مردم نباشد، اما مردم - بخصوص مردان - اعضای مهم و حیاتی دیگری نیز دارند که هنر یک جورهایی هدایت و راهبری آن‌ها را به نحو احسن انجام داده است.

از اتاق هیئت‌مدیره بگیرید تا پارلمان و تاج و تخت درس‌های این کتاب به صورت تضمینی پلکان ترقی و راه رسیدن به آن بالا - بالای بالا - را در حوزه‌ای که انتخاب کردید به شما نشان می‌دهد. رسیدن به آن بالای بالا و مهم‌تر از آن ماندن در آن‌جا.

مشکلات و چالش‌ها

آیا کسب قدرت آسان است؟ نه به هیچ عنوان. مطمئناً خطرات و مشکلات متعددی در مسیر کمین کرده‌اند و شما در آن واحد نیاز به استقامت و پشتکار و سخت‌کوشی از یک سو و خدعه و زیرکی از سوی دیگر برای کسب موفقیت دارید. در ادامه به چالش‌ها و مشکلاتی که در این راه گریبان‌گیرتان می‌شود خواهیم پرداخت و به شما یاد می‌دهیم وقتی در خیال خنجر زدن از پشت به دیگران هستید، چطور هوای پشت خودتان را داشته باشید، چطور پیوندتان را با کسانی که به آن‌ها نیاز دارید مستحکم‌تر کنید و چگونه تا وقتی که دوستان‌تان ابزارهای خوبی هستند به خوبی از آن‌ها استفاده - و در برخی موارد سوءاستفاده - کنید.

فردریک کبیر (۱۷۸۶-۱۷۱۲) نابغه‌ی نظامی

- فردریک در جوانی به‌رغم میل پدرش به امور نظامی و سیاسی بی‌علاقه بود و مشتاق خواندن کتب ادبی و فلسفی فرانسوی. به همین دلیل مورد تحقیر و تنبیه پدرش (فردریک اول) قرار می‌گرفت. اختلاف‌نظر او با پدرش نهایتاً باعث شد در هجده سالگی همراه پسر یکی از سرداران پروس به قصد فرار به انگلستان رخت سفر ببندد، اما در راه توسط مأموران دولت به جرم فرار از خدمت نظامی دستگیر شد. به دستور پدر، فردریک در قلعه محبوس شد و دوست همراهش را در پیش چشم‌های او گردن زدند. این داستان‌ها به‌طرز شگفت‌انگیزی خلق و خوی فردریک را از آدمی رمانتیک به حاکمی مقتدر تغییر داد.
- فردریک کشورش را از یک پادشاهی معمولی به یک قدرت اروپایی تبدیل کرد. او علاوه بر تقویت نظامی ارتش زیر فرمانش، به گسترش و پیشرفت هنر و ادبیات نیز علاقه داشت و توجه فراوانش به فلسفه لقب پادشاه فیلسوف را برایش به ارمغان آورد. فردریک، کیفیت زندگی ملت تحت فرمانش را به شکل واضح و مؤثری تغییر داد. ممنوعیت شکنجه، اعطای آزادی‌های مذهبی و اصلاحات اقتصادی از جمله بزرگ‌ترین دستاوردهای عصر او بود.
- در سیاست خارجی، او به هیچ اصل اخلاقی اعتقاد نداشت و برتری یافتن به دشمن به هرقیمت و وسیله‌ای را جایز می‌دانست. کسب پیروزی، آثار عهدشکنی و دسیسه و بی‌اخلاقی در سیاست خارجی را از میان می‌برد. چون به اعتقاد او تنها بازنده‌ها بابت خطاهایشان بازخواست می‌شدند، به

باور او یک فرمانروا و حاکم تنها در صورتی می‌توانست وظایفش را به نحو احسن انجام دهد که کنترل دولت را به صورت کامل در اختیار داشته باشد.

• رهبران پس از او نیز از فردریک به‌عنوان شاهی بزرگ یاد کردند. ناپلئون بناپارت هنگامی که در ۱۸۰۶ موفق به تسخیر پروس شد، برای ادای احترام به آرامگاه فردریک آمد. آدولف هیتلر در جریان بمباران آلمان در جنگ جهانی دوم، دستور داد که جسد فردریک را به معدن نمک منتقل کنند تا به آن آسیبی نرسد.



چرا دموکراسی جواب نمی‌دهد؟

سیاست فواید و کاربردهای خاص خودش را دارد، اما اگر فکر می‌کنید سناتورهای و نمایندگان مجلس، سیاستمدارانی هستند که قدرت واقعی دارند، در افکارشان تجدیدنظر کنید. این کتاب برای آن‌هایی نیست که تصور می‌کنند قدرت واقعی از آن نمایندگان مردم و در پارلمان‌ها و کنگره‌هاست. سیاستمداران بیشتر با توافق و مصالحه و سازش و زدوبند به جایی می‌رسند تا به واسطه‌ی جاه‌طلبی و بلندپروازی و قدرت ریسک‌پذیری‌شان. بزرگ‌ترین دغدغه‌ی یک سیاستمدار در جامعه‌ی دموکراتیک این است که محبوبیت خود را نزد مردم از دست ندهد، در حقیقت حتی اگر این سیاستمدار موفق به اختلاس و سوءاستفاده از پست و سمتش شود، باز هم قدرت واقعی دست مردمی است که ممکن است در انتخابات بعدی به او رأی ندهند. بله متأسفانه قدرت سیاسی در عالم دموکراسی به معنی هنر به دست نیاوردن هیچ‌با انجام دادن یک‌عالم کار است. دوست دارید بدانید فرق شما که سودای دیکتاتوری دارید با سیاستمداران چیست؟ آن‌ها دنبال قدرتی هستند که از سیاست‌های حزبی‌شان محافظت کند و شما دنبال سیاستی که از قدرت‌تان حفاظت کند. بله، رهبری واقعی دقیقاً نقطه‌ی مقابل خیمه‌شب‌بازی دموکرات‌هاست. راز موفقیتش در عمل کردن با اعتماد به نفس کامل است. قدرتمند بودن یعنی این‌که بگویی سیاه، سفید است، بدون این‌که ترس از مخالفت یا ناراضایتی مردمست داشته باشی. مخالفت یا ناراضایتی مردم بزرگ‌ترین کابوس آدم‌مشهورها، بازیگران سینما، ورزشکاران، خوانندگان و سیاستمداران مردمی است. این آخری‌ها مخصوصاً از این‌که یک موقع لقب

دیکتاتور و مستبد و خودکامه نگیرند، دست از پا خطا نمی‌کنند. اما شمایی
که داعیه‌ی حکومت و مدیریت جهان را دارید، شش‌دنگ حواس‌تان باید
پله‌های نردبان قدرت باشد، نه حرف مفت عامه‌ی مردم.

mikhanam.com